

با هم می مانیم

همدلی، پاسخ ما به ترس و وحشت



قادر باستانی تبریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات

از عصر روشنگری تا کنون، گفتمان مسلط بر جهان، متکی بر واقعیت‌ها بوده است؛ داده‌ها، اسناد، ارقام و مدل‌های تحلیلی که قرار بود جهان را برای بشر قابل درک، قابل پیش‌بینی و قابل اداره سازند. اما اکنون در آستانه فروپاشی اعتماد عمومی به ساختارهای دانایی رسمی، حقیقت دیگر آن گونه که می‌پنداشتیم، سیاه‌وسفید نیست. ما اکنون در عصر وایب‌ها زندگی می‌کنیم؛ عصری که در آن حال‌وهوا جای حقیقت را گرفته و احساس، بیش از فکت، تعیین‌کنندهٔ جهت‌گیری‌ها، داوری‌ها و حتی تصمیمات حیاتی است. در زبان انگلیسی، «vibe» واژه‌ای است که در ظاهر به‌معنای ارتعاش یا موج حسی است؛ اما در فرهنگ امروز، به ادراک غریزی و میهمی از یک موقعیت، شخص یا پدیده اطلاق می‌شود؛ چیزی شبیه به بویی که به مشام نمی‌رسد اما فضا را شکل می‌دهد. وایب را نمی‌توان به چنگ آورد، اما بی‌تردید تأثیرگذار است؛ آن چنان که می‌تواند سرنوشت جنگی را تغییر دهد. در این روزها، ما ایرانیان واقعاً در قلب یک «وایب اضطراری» نفس می‌کشیم. چند روز است که اسرائیل به ایران عزیزمان هجوم آورده و تهران، هروزر زیر آتش وحشیانه دشمن قرار می‌گیرد. در چنین وضعیتی، جامعه در سطحی گسترده با ترکیبی سنگین از ترس، اندوه، خشم از دشمن، اضطراب و احساس بی‌پناهی دست‌وپنجه‌نرم می‌کند. کافی است سری به شبکه‌های اجتماعی یا گعده‌های خانوادگی بزنیم. چیزی در فضا هست که سنگین، مبهم و نگران‌کننده است. این همان وایب است؛ فراتر از تحلیل‌های ژئوپلیتیک، فراتر از تئری‌های روزنامه‌یا روایت‌های رسمی. در چنین شرایطی، آنچه به‌راستی خطرناک است نه فقط احتمال گسترش جنگ، که «وایب جنگ» است؛ احساس نزدیکی تهدید، انگار که مرزها بی‌معنا شده‌اند و هر آن ممکن است اتفاقی بزرگ در کمین باشد. این وایب، به‌طرز خرنده‌ای، سلامت روان جمعی را تهدید می‌کند، امید را تحلیل می‌برد و کنشگری اجتماعی را از درون می‌فرساید. اگر در دوران مدرن، خبر واقعی می‌توانست بحران بیافزیند، در دوران وایب‌ها، حتی «احساس وقوع حادثه» کافی است برای فروزیزش سازه‌های اعتماد اجتماعی. جامعه شناسان معتقدند، وایب‌ها زبانی برای توصیف فضاهایی هستند که واژه‌ها از بیان‌شان ناتوانند و اگر چه نامرئی‌اند اما اثرگذارند؛ بی‌واسطه‌اند، اما مترکم از معنا؛ فزانند، اما پایدار. در ذهن جمعی، در ایران وایب‌ها دیرزمانی است: جای تحلیل‌های کلاسیک را گرفته‌اند. سیاست‌مدارها، روزنامه‌نگاران و حتی کارشناسان، بیش از آن که با داده سخن بگویند، با حس حرف می‌زنند. «مردم حال‌شان خوب نیست»، «فضا سنگین است»، «شایعه زیاد شده»، «همه‌نگران‌اند»؛ این‌ها توصیف‌هایی وایبی‌اند، نه تحلیلی. اما مگر جامعه امروز از جز از مسیر حس جمعی می‌توان فهمید؟ در عصر رسانه‌های اجتماعی، وایب به‌مثابه یک الگوریتم پنهان، تصمیم‌گیری‌ها را جهت می‌دهد. نه آن چنان که سنتی‌ها تصور می‌کردند یا منطق و استدلال، بلکه از خلال تصویر، لحن، ری‌اکشن و بی‌میلی‌ها. الگوریتم‌های توئیتر یا اینستاگرام، ما را با محتوایی مواجه می‌سازند که به حس ما نزدیک‌ترند، نه الزماً درست‌تر یا عمیق‌تر. بدین‌سان، وایب‌ها اکنون نه‌فقط بازتاب احساس‌اند، بلکه مهندس احساسات هم هستند. شاید وایب، زبان جدیدی برای مواجهه با جهانی باشد که بیش از اندازه پیچیده، متکثر، مبهم و غیرقابل درک شده است. در جهانی که حقیقت‌های مطلق مبهم‌به‌تحریف‌اند، که سانه‌ها محل نزاع قدرت‌ها شده‌اند و واقعیت گاه کمتر از دروغ اثر دارد، لابد وایب تنها امکانی است که برای فهم دیگری و درک حال‌وهوای جهان، باقی مانده است. آنچه امروز در ایران ما جاری است، بیش از آن که به‌معنایی توسعه جنگ باشد، بازتاب لرزشی باشد که پیش از زلزله احساس می‌شود. یا شاید این گونه بهتر بتوان گفت؛ در ایران، وایب جنگ، خود جنگ است؛ زیرا احساس خطر پیش از وقوع خطر، ما را در درون متزلزل می‌سازد. از منظر نظریه‌های ارتباطات، وایب‌ها بازتاب سایش ذهن انسان مدرن‌اند در تقابل با انبوه اطلاعات، فقدان قطعیت و خشونت‌نمادین فضای دیجیتال. وایب‌ها شاید نوعی مکانیسم روانی باشند برای سادسازی پیچیدگی‌ها، برای ترجمه تهدیدها به زبان احساس برای نجات ذهن از فرسایش مداوم اطلاعات. وایب‌ها ممکن است ما را از چنگال بی‌معنایی نجات دهند، اما در عین حال ممکن است ما را از جهان واقعی منفک سازند. در جامعه‌ای که با هر پُست اینستاگرامی یا توئیٹ، اضطرابی لرزه‌ای بر روان جمعی می‌افتد، بیش از هر چیز نیازمند بازسازی حس امنیت هستیم. آینده شاید مال وایب‌ها باشد؛ اما آرامش جز از مسیر ترمیم اعتماد، ممکن نیست. و وایب اعتماد، نه با ترس و اضطراب، که با گفت‌وگو، شفافیت و آغوش باز به‌دست می‌آید.

- صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرپاسچی
- مشاوران: عباس‌عبدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح
- معاون سردبیر: مهرداد خدیر
- دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی‌ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه منتقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



نمادها هدف موشک دشمن

درباره تدابیر و اتفاقاتی که تلفات حمله اسرائیل

به ساختمان شیشه‌ای صداوسیما را به حداقل ممکن رساند



سپهر خرمی

گزارشگر گروه فرهنگ

حملات اسرائیل به نقاط استراتژیک کشور ایران به‌خصوص پایتخت آغاز شده است. از صبح دوشنبه شایعاتی مبنی بر حمله به سازمان صداوسیما شنیده می‌شد. باوجود غیرقانونی بودن حملات به سازمان صداوسیما هر کشور حتی در روزهای جنگی، اما اسرائیل این شایعه را به حقیقت تبدیل و به ساختمان شیشه‌ای سازمان صداوسیما حمله موشکی کرد و بخش گسترده‌ای از یکی از قدیمی‌ترین ساختمان‌های این سازمان با تخریب شدیدی همراه شد. رعایت اخلاق در جنگ هم از اولویت‌مکتوب حقوق بشر و سازمان ملل است اما اسرائیل هیچ‌یک از قواعد و قوانین جنگی را هم رعایت نمی‌کند. ماده ۷۹ پروتکل اول رسماً اعلام کرده است: «خبرنگاری که در مأموریت‌های حرفه‌ای خطرناک در مناطق درگیری هستند، وضع افراد غیرنظامی را خواهند داشت، مشروط بر این که از انجام هرگونه فعالیت نظامی خودداری نمایند.» بنابراین حمله‌نظامی اسرائیل به سازمان صداوسیما تخلفی بزرگ از سوی کشوری است که به هیچ قواعد اخلاقی پایبند نیست. در این گزارش قصد داریم از لحظات پرتلاهب قبل و بعد از حمله به ساختمان شیشه‌ای صداوسیما بنویسیم. اتفاق تلخی که منجر به شهادت نیما رجبپور، سردبیر خبر و معصومه عظیمی، کارمند دبیرخانه صداوسیما شد.

▾ درایتی که تلفات را به حداقل رساند

از صبح دوشنبه رسانه‌های نزدیک به رژیم صهیونیستی شایعاتی را مبنی بر حمله این رژیم به سازمان صداوسیما مطرح کردند. مشخص نبود این شایعه به واقعیت تبدیل می‌شود یا خیر اما باتوجه به پیشینه رفتاری که اسرائیل از خودش در ایام جنگ نشان داده، چنین هشدارهایی را باید جدی گرفت؛ هر چند حمله به نهادهای سازمان‌های رسانه‌ای براساس پروتکل قواعد جنگی ممنوع است و جرم تلقی می‌شود. با این حال از صبح دوشنبه به کارکنان مستقر در اتاق شیشه‌ای اعلام می‌شود که برخی به مرخصی بروند و برخی دیگر نیز از حوالی ساعت ۱۳-۱۲ ظهر از ساختمان شیشه‌ای خارج شده و به منازل خود بروند. به این دلیل که شایعه حمله به سازمان صداوسیما مطرح شده بود و طبعاً تصمیم‌گیران امر در سازمان تلاش کردند اگر یک درصد این اتفاق رخ داد، تلفات به حداقل ممکن برسد. تصمیمی درست در راستای حفظ جان کارکنان صداوسیما. با این حال از حوالی ساعت ۱۳-۱۲ ظهر، کارکنان مستقر در اتاق شیشه‌ای سوار سرویس‌های حاضر در سازمان شدند و به منازل خود بازگشتند. فقط افرادی در ساختمان شیشه‌ای باقی ماندند که نفر جایگزینی برای آنها وجود نداشت.

▾ تصمیم‌های امنیتی که اتخاذ شده بود

برای ورود به سازمان صداوسیما مشابه تمام سازمان‌های دولتی یکسری پروتکل باید رعایت شود. قبل از آنکه فردی بخواهد وارد این سازمان شود، باید «آفیش» شده باشد. به این صورت که فردی از داخل باید نام فرد را به حراست اطلاع داده باشد تا این بخش نسبت به ورود شخص مطلع باشد و نام‌اش به صورت سیستمی ثبت شده باشد. طی روزهای اخیر این ضریب امنیت برای ورود به سازمان صداوسیما افزایش پیدا کرده بود و حتی سرویس‌های کارکنان صداوسیما هم حق ورود به داخل سازمان را نداشتند و کارکنان این سازمان بعد از اتمام کار در ساختمان شیشه‌ای، باید به خارج از محیط سازمان می‌رفتند تا سوار سرویس شوند. از طرف دیگر، ساختمان شیشه‌ای «آفیش» جداگانه نداشت اما طی روزهای اخیر نظارت ویژه‌ای نسبت به عبور و مرور افراد به داخل این ساختمان زیبا و مدرن صورت گرفته بود تا از ورود افراد متفرقه به داخل این ساختمان جلوگیری شود.

▾ تاریخچه ساختمان شیشه‌ای

برای افرادی که از کارکنان سازمان صداوسیما هستند هم ساختمان شیشه‌ای از احترام ویژه‌ای برخوردار است. چه برسد به مردمی که اطلاعی نسبت به تاریخچه این ساختمان ندارند. ساختمان شیشه‌ای صداوسیما، اثر کم‌نظیر عبدالعزیز فرمانفرماییان، یکی از نمادهای معماری مدرن ایران است که در دهه ۱۳۴۰ شمسی طراحی و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ ساخته شد. فرمانفرماییان به معمار روزشگاه آزادی، فروگده مهرآباد و ساختمان وزارت کار نیز است، تلاش کرد تا طرحی را بریزد که نماد مدرنیت لقب بگیرد. این بنا با فرمی مکعبی، نمای شیشه‌ای شفاف و حیاط مرکزی بازتابی از معماری مدرن در اواخر دهه ۴۰ است تا ایران در حال گذار از سوی مرحوم فرمانفرماییان به خوبی به تصویر کشیده شده باشد. ساختمان شیشه‌ای صداوسیما در محوطه اصلی سازمان صداوسیما در خیابان ولی‌عصر تهران، در نزدیکی پارک ملت و در منطقه موسوم به جام‌چم واقع شده است. «نور» در این بنا نقش اساسی را بازی می‌کند. نمای شیشه‌ای این سازه طوری است که این امکان را می‌دهد تا نور به‌صورت گسترده به داخل نفوذ کند تا فضای داخلی را نیز بدون نیاز به استفاده از لامپ، روشن‌تر از قبل کند.

▾ هدف از انفجار چه بود؟

این ساختمان چهار طبقه به‌لحاظ سازه‌ای از مقاومت بالایی برخوردار بود و طبعاً دشمن نیز از این موضوع مطلع بود. پیش از آنکه به هدف این حمله تروریستی برسیم، لازم به ذکر است که طبقه چهارم این ساختمان محل تحریریه تمام بخش‌های خبر تلویزیون و استودیوی پخش زنده شبکه خبر بود. طبقه سوم نیز تحریریه رادیو و استودیوهای پخش خبر رادیویی بود که اغلب به صورت تولیدی به سمع و نظر مخاطب می‌رسید. دفتر معاونت سیاسی سازمان و دفتر ریاست سازمان صداوسیما نیز در طبقه چهارم این ساختمان قرار داشت. در طبقات پایین‌تر ساختمان نیز استودیوهای تولید برنامه‌های رادیویی قرار دارد. گفتنی است سه شبکه رادیویی از جمله شبکه صبا، شبکه گفت‌وگو و شبکه رادیوفصلی هم در این ساختمان مستقر است. یکی از کارکنان سازمان صداوسیما که یک ساعت قبل از این حادثه تلخ (به‌دلیل اطلاع حراست) ساختمان شیشه‌ای را ترک کرده بود در این باره به خبرنگار هم‌میهن گفت: «آقای جبلی در ساختمان شیشه‌ای حضور داشتند اما باتوجه به وسیع بودن این سازه، خدا را شکر به رئیس سازمان صداوسیما آسیبی وارد نشد. به‌دلیل شرایط جنگی از ما خواسته شده بود که حوالی ساعت ۱۳-۱۲ ظهر ساختمان شیشه‌ای را ترک کنیم. سرویس‌ها هم آماده بودند تا ما را به منزل برسانند. طی روزهای اخیر، شیفت‌بندی لحاظ شده بود تا در صورت حمله اسرائیل، به تمام کارکنان آسیب وارد نشود. استودیو شبکه خبر هم در طبقه اول قرار داشت که آن ویدئویی که در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شد، همان طبقه اول بود که اتفاقاً امن‌ترین موقعیت سازه همان طبقه اول بود که کمترین آسیب را دید و اگر دقت کرده باشید حتی بعد از انفجار نیز برنامه قطع نشد؛ چون آن بخش از سازه آسیب وحشتناکی ندیده بود.» برخی می‌گویند باتوجه به اینکه رئیس سازمان صداوسیما در آن لحظه در ساختمان شیشه‌ای بوده، بعید نیست هدف دشمن، ترور رئیس سازمان صداوسیما بوده که خوشبختانه این تیر به سنگ خورد و آسیبی به رئیس سازمان وارد نشد. هر چند سه نفر از کارکنان زحمت‌کش و قدیمی این سازمان در حمله تروریستی اسرائیل جان باختند. از سوی دیگر، اسرائیل با حمله به سازه‌های قدیمی، مهم و استراتژیک ایران می‌خواهد قلب معماری و رسانه‌ای ایران را هدف قرار دهد تا به‌زعم خودش روحیه مردم را کاهش دهد. گفتنی است، برخی شایعات از حمله دوباره به سازمان صداوسیما حکایت داشت که طبق پیگیری‌هایی که انجام دادیم، بخشی از ساختمان شیشه‌ای که هنوز در آتش می‌سوخت، بار دیگر شعله‌ور شده و خبری از حمله دوباره نیست. واکنش‌ها بعد از این حادثه تروریستی از سوی کارکنان سازمان صداوسیما که روی آنتن زنده مورد حمله موشکی قرار گرفتند، نشان داد که «توقف»، واژه‌ای بیگانه با افرادی است که می‌خواهند تا آخرین لحظه، اطلاع‌رسانی به مردم متوقف نشود.

چهره

به فکر میهن و ملت باید بود



تجاوز ناجوانمردانه اسرائیل به کشور، بار دیگر نگاه‌ها را متوجه مفهوم وطن و وطن‌پرستی کرده است. چه نام‌ها و چهره‌های ایران دوستی که در روزهای اخیر موضع‌شان را در برابر حمله به خاک کشور مشخص کرده‌اند، از دوستداری ایران و ذکر بزرگی و شکوه کشور گفته‌اند و نوشته‌اند.

محمدعلی همایون کاتوزیان، اقتصاددان،

جامعه‌شناس و پژوهشگر تاریخی برجسته ایرانی نیز در پیامی تجاوز رژیم صهیونیستی به حاکمیت سرزمینی کشور را محکوم کرده و آرزوی سربلندی برای ایران کرده است. نویسنده کتاب‌های «اقتصاد سیاسی ایران» و «آدام اسمیت و ثروت ملل»، «ایران، جامعه کوتاه‌مدت» در پیام خود نوشته است: «حمله اسرائیل را به وطنم و فرزندان وطنم، محکوم می‌کنم.» این استاد مطرح ایرانی در دانشگاه آکسفورد در بخشی دیگر از پیام خود از ضرورت کنار گذاشتن اختلاف‌ها نوشته است: «از رفتار حکومت هم با مردم دل خوشی ندارم ولی امروز روز دفاع از میهن و از جان و مال مردم نازنین و رنج‌دیده ماست. حساب‌های داخلی را باید فعلاً کنار گذاشت و به فکر میهن و ملت بود. زنده باد ایران، زنده‌باد مردم ایران.»

نگاه روشنفکر

مراقبت از میهن در ایام جنگ



علی میرسپاسی

استاد دانشگاه نیویورک

میهن دوستی نباید محدود به ستایش از فرهنگ و شکوه گذشته یک کشور در گذشته دور یا نزدیک و در مراسم شادی و سرور باشد. انسان در هر جای این جهان که باشد فرهنگ و هنر ارزشمند هر مکان در این جهان را رچمند دیده و از آن تقدیر می‌کند. این بیان عشق ما انسان‌ها در آگاهی و احترام به سرنوشت مشترک همه مردم در هر مکانی از دنیا که بودند و هستند، می‌باشد. ایران مورد تجاوز نظامی قرار گرفته و مراقبت از آن در ایام دشوار جنگ معنی میهن دوستی حقیقی است. میهن دوستی در این روزها در کشور ما نه ستایش از یک فرهنگ که تعهد به «مراقبت از ایران و ایرانیان» است و عدم آن چشم بستن به سرنوشت تلخ (وشیرین) مردم ایران در همین لحظه کنونی و بی‌اعتنایی نسبت به ایرانی است که در مقابل چشم ما حضور دارد و در سراسر آن جنگ و ویرانی آن است. مراقبت از میهن هم شامل پرستاری از آن است و هم کمک در جهت آبادانی آن. روشن‌تر بگویم، جنگ جان و دل ایرانیان را هدف قرار داده و این همان است که ما همه به آن ویرانی میهن می‌گوییم. ایران آغاز ویرانی‌اش را تجربه می‌کند و ما باید از آن در حال حاضر و در همین لحظه کنونی مراقبت کنیم و این بایستی با ذهنی باز و دلی پر از عشق و امید انجام شود و هیچ‌اما و اگر هم جایز نیست. همه ما می‌دانیم که مراقبت از پدر و مادر یا دوست و همسایه را مشروط به فرهیختگی یا بی‌نقص بودن آنها نمی‌کنیم، این امر در باره مراقبت از میهن هم صادق است. البته که میهن دوستی پایان درگزرهای انسانی نیست. دلسوزی برای ایران و ایرانیان باید تعهد روشن و ارجمیت امروز ما باشد. اما همه ما ازادیم که حکومت را نقد کنیم و هر چه در دل و ذهن داریم را با همه ایرانیان در میان بگذاریم و هراسی هم نداشته باشیم. دعوت من در اقدام به مراقبت از ایران در ایام جنگ است. در ایام جنگ مراقبت از میهن را گروگان آنچه حکومت کرده و می‌کند، ننماید. دفاع در برابر ویرانی ایران را نمی‌توان به فردا واپناه. و البته که در فردای بعد از جنگ است که ما ایرانیان باید به فکر آبادانی و آزادی میهن باشیم. در آن روز میهن دوستی در گرو شجاعت و تعالی فکری و از روی خیرخواهی عمومی در نقد حکومت یا هر آنچه در این راه آبادانی ایران مانع است خواهیم بود.

تاریخ

نبرد یغوراد

در ۲۸ خردادماه ۱۱۱۴ خورشیدی نبرد یغوراد در نزدیکی شهر یغوراد ارمنستان بین سپاهیان ایران و عثمانی که به پیروزی قاطع ایرانیان انجامید و در عمل جنگ پنج‌ساله ایران و عثمانی را پایان بخشید. این نبرد پس از آن روی داد که نادرشاه پس از آزادی مناطق اشغالی در غرب ایران و تأمین نظم در آن مناطق، به شمال رود ارس حمله برد تا ارش عثمانی را از شمال بین‌النهرین، قفقاز و داغستان اخراج کرد. با تصرف چهار قلعه بزرگ تفلیس، ایروان، گنجه و قارص به‌دست سپاه عثمانی، سلطان این کشور عظیم‌ترین سپاه خود را که مرکب از ۵۰ هزار سوار و ۳۰ هزار پیاده بود، به فرماندهی عبدالله پاشا به جنگ نادر فرستاد. نتیجه اما با مهارت تاکتیکی نادر به نفع نیروهای ایرانی تمام شد و کوپرولو عبدالله پاشا سرلشکر عثمانیان و ساروممصطفی پاشا داماد سلطان عثمانی در این نبرد کشته شدند.